آنچه گفتند بزرگان دین
وانچه بوی کبریه دارد آن
یعنی چون ایشان فکنند قاضی لط
یا مذی یا ودی هرچه آن
رفته کانکه زیر سر خشتند
حکم او را جنس نجس داده
میکنند صاحب خلاصه یاد
چون ایشان افکنند پس کی غلیظ
حکم کرده بظاهری او
منع احتیاط دارد باین
آنچه چون آنکه لحم او حلال است
وز محمد باک دستش
آنچه عبد العلی بیان کرده
مذهب بوحنیفه است در آب
لیک در باب حفظ خوبی
بول پاک بود کلکه شد تعیین
از کبیری چو شارح اورا
هست در باب جد دلیل
اصل فرق حنیفه در این باب
هست مفید باب تفصیل
در بیان غلیظ الحق کرده

گفت عبد العلی و غیر این
خرء دجاجه را غلیظ دان
این نجسها غلیظ هاست فقط
قذره نیز بر همه اقوال
اتفاق غلیظ نوشتند
از غریب الروایه پاک خبر
روح او غرق رحمت حق باد
آنچه پس افکنند سباع طیر
لیک نزد محمد خوش گو
نیز نوشته است شمس الدین
هست در بول او خلاف اقوال
بوحنیفه غلیظه میگوید
نقل از مضمرات آورده
با بویوسف است در جامه
شد بقول محمد ابن حسن
از نجاست بوحنیفه آن
ذکر کرده است فتوی را این باد
کرد عبد العلی حق تعیین
هست در شرح نقایه است آب
قول صاحب وقایه را او
در هدایه راجح آورده

خرء دجاجه را غلیظ دان
یا مذی یا ودی هرچه آن
هم منی را جنس غلیظه دان
بول آنجا که گوشت بر حلال
از سبیلین گر افتاده
لیک کرده است ذکر ابو جعفر
پس فکنده درنده حیوان
مثل باز حداه یا زغن غیر
نجس است از غلیظه انجا که
گفت قول اصح نجاست بل
نزد شیخین که نجس باطل
شیخ شاه خفیفه میگوید
فتوی بزرگان زرد رای
فتوی بزرگان علامه
در خزینه و واقعات چنین
نزد شیخین فتوی را این دان
حرف کال بول در تفصیل
باد ماوای بهشت برین
کرده هست نجس خفیفه قلیل
لیک بر کس تبعی کاری
نزد نعمان غلیظ می بوده

هاجنش خفیفه فرموده
یعنی نوع دیگر ازان معفو
وز محمد همین که شد تعیین
در هدایه قیاس این کار را
گفت طاهری کلی بخار او
لیک نجس الاینه شده مرد
یعنی عبد العلی برجندی
باز گفتند اینکه شاذ است
گفت ما شد نجس بغیر نزاع
هست در بول موش نیز خلاف
این غلیظ بود و هو الظاهر
فوائد دوست نیز هیچ بول
بول موش است فی الصحیح نجس
نیز نوشته است آنکه کسی
گفت از قطب الدین نمار فساد
در حلوه فقه نیز نکو است
نکند توبه آب را افساد
ثابت جند هم برین معنی
بول ابریشم و آنچه بود
از ذی حیوی آستخوان نیست
منع او از کرامت نزاع

چون قیح که گشت داخل
گرچه باشد کثیر فاحش او
یعنی لایاخذ و به فرمود
پاک گفته کل بخار را
مختلط با نجس بود هم او
یعنی این قول را قبول نکرد
شاذ که بر راجح میدان
این هم اندر عذر گرای است
قول شاذ از محمد خوش اصل
گفت بعض بعضی همان
این سخن در خلاصه شد تعیین
یعنی باشد نجس در ظاهر قول
یعنی چون بول آنچه حوالی
گو ماجاج بول کرده نجس
زهره هر چه زند نیکو
آب زهره نجس بود نه نوشت
این سخن در کتب قاضیخان
بود مفید آب را لخ
بو المکارم که شرح بر در
پاک دان از جلد و بازی
وز محمد روایت شد باز

دید خلفند جیلای وی
لیک از نظم گفت شمس الدین
هم همین احتیاط خواهد بود
در خلاصه هم از قیاس او
گرچه جامه از و بود مملو
گفت آنکه شارح فرمودند
مگر اندر روایت شاذ
بول انسان را علی الاجماع
پاک بول گربه بغیر فصل
قول آنها که گفت ظاهر
بود در قاضیخان نوشت چنین
شارح در رد ها نوشت انکس
لحم او را الحق زرد حوال
چون زقدر دم که گشت زیاد
در فوانه بود چو بول او
بول خفاش خرء او شد یاد
بعد ازان در خلاصه کرد بیان
گفت در شمس الدین ایا پاک است
در بیان دغ آورده است
لیک منع است بیع نفع آن
انتفاعی ز مو او لاجه از

هاجنش

Copyright © King Saud University